

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

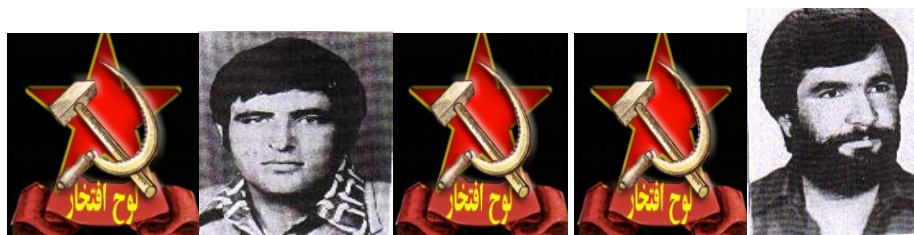
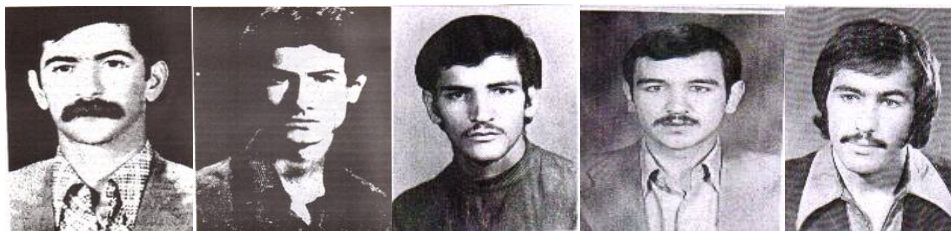
۰۳ سپتمبر ۲۰۱۱

سی سال از تیرباران قهرمانان توفانی گذشت

ما آن شقایقیم که با داغ زاده ایم.....

"زنده آنهائید که پیکار می کنند، آنها که جان و تنششان از عزمی راسخ آکنده است، آنها که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند. آنها که اندیشمند به سوی هدفی عالی راه می سپرند و روز و شب، پیوسته در خیال خویش یا وظیفه‌ای مقدس دارند، یا عشق بزرگ".... (ویکتور هوگو)

رفیق رضا محمد پور رفیق نادر رازی رفیق مسعود نانبیان رفیق داریوش انصاری رفیق جانبرار روحی



رفیق اصغر پهلوان رفیق مهدی شیر خدا رفیق منوچهر تهرانی رفیق ابراهیم دادجو رفیق بهرام رازی

قهرمانی، درخشانترین تجلیات روح انسانی است که بدون شک از طبیعت انسانهای مایه می گیرد که از تعلق خویش به تودهای خلق و از تعلق خویش به جامعه انسانی و ایده آلهای با شکوه آن اهمیت قائلند. از اینرو آگاهانه تمام نیروی خویش را که از قدرت لایزال خلق مایه می گیرد وقف مبارزه در راه آرمان نموده و به قهرمانان فناپذیر تاریخ مبدل می شوند. رفقاء "رضا محمد پور، نادر رازی، بهرام رازی، اصغر پهلوان، مسعود نانبیان، داریوش انصاری، جانبرار روحی، مهدی شیر خدا، منوچهر تهرانی و رفیق ابراهیم دادجو" از جمله این قهرمانان

تاریخند که ایستاده جان دادند و درمقابل ارتجاع سر فرود نیاوردند. سردارانی از ارتش پرولتاریای ایران که در مرگ خویش زندگی نسلهای متوالی زحمتکشان از بردگان دوران باستان و پرولتاریای مدرن گرفته تا زحمتکشان آزاد دنیای فردا را در نور دیده، به ابدیت، به دورترین نقاط فراروی تاریخ پیوسته اند.

این رفقاء در سی سال پیش، در تابستان ۱۳۶۰ به جرم دفاع از کارگران و زحمتکشان و آرمان کمونیستی و عضویت در حزب پرولتاریای ایران حزب کار ایران (توفان) تیرباران شدند و امروز در میان ما نیستند و خیلی زود، زودتر از آنچه به تصور آید ما را ترک کردند. اما مرگ آنها با مرگ عادی آنچنان که همه به آن دچار می شوند، تفاوت بسیار داشت. آنها در اوج سلامتی جسمی و فکری، و بر قلّه رفیع شکوفائی تن و جان، آمرانه مرگ را فراخواندند تا آمریت مطلق العنان آن را در هم شکنند. آنها به مرگ زود رس دچار نگشتند، بلکه در آنزمان که پاسداری از آرمان زندگی، زندگی انسانی، "برای انسان زحمتکش" جز با مرگ آگاهانه و ارادی ممکن نبود، مردند تا این آرمان و امیدهای مربوط به آن را زنده نگاه دارند. اگر تاریخ باستانی مردم با داشتن یک آرش تیرانداز بر خود می بالد. تاریخ فردای این مردم به لشگرهائی تمام و کمال از آرشهای خویش خواهد بالید. سردارانی چون حاج علی دوا فروش، اسدالله غفارزاده، حیدر عمو اوغلی، حجازی کارگر چاپخانه، ارانی، روزبه، آوانسیان، قاسمی، بابا پورسعدت، قدرت فاضلی که همچون ستارگانی در آسمان انقلاب ایران درخشیدند و زندگی والای خویش را آگاهانه فدا نمودند. کسانی که برای آرمانهای کمونیسم جان باختند.

رژیم فاشیستی سرمایه داری جمهوری اسلامی با گلوله بارانهای خویش آنها را از میان ما برد، اما ما بار دیگر رفقاء "جانبرار روحی، مسعود نائیبیان، نادر رازی، داریوش انصاری، ابراهیم دادجو، مهدی شیرخدا، منوچهر تهرانی، رضا محمدی، بهرام رازی، اصغر پهلوان..." را در میان کارگران و زحمتکشان ایران، معدنچیان شیلی، مردم زحمتکش بولیوی، ملت قهرمان فلسطین بازیافته و صدای آنها را از خلال غریو رعد آسائی که خبر از طوفانهای بنیان کن در آینده می دهد، می شنویم. آنها در وجود آن "شبحی" که به "گشت و گذار" در جهان مشغول است، فنا ناپذیر شده اند. شبح کمونیسم.

خاطره رفقای جانباخته، "جانبرار روحی، مسعود نائیبیان، داریوش انصاری، ابراهیم دادجو، مهدی شیرخدا، منوچهر تهرانی، رضا محمدی" و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم را به سلاحی تبدیل کنیم و با آن قلب قاتلان نشان را نشانه رویم. با امید و آرزوی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم در ایران یاد این رفقا را گرامی می داریم.

یاد همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم گرامی باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

نقل از توفان الکترونیکی شماره ۶۲ نشریه الکترونیکی حزب کار ایران شهریور ۱۳۹۰

www.toufan.org